

## محدوده‌ی مطاف از منظر فقهای مذاهب اسلامی

یوسف مهربان سیدآباد

سطح سه (کارشناسی ارشد) فقه و اصول از حوزه علمیه خراسان

### چکیده

شارع مقدس، هر یک از اعمال حج را که محدود به مکان معینی بوده را معرفی کرده و محدوده کلی آن مکان را نیز معین ساخته است. یکی از این اعمال، طواف است که به تصریح قرآن کریم می‌بایست حول کعبه انجام شود؛ اما درباره محیط عرضی و ارتفاعی که حج‌گذار در آن محیط باید به انجام طواف بپردازد، اختلاف نظر وجود دارد. در این مقاله، نگارنده تنها به دنبال دسته‌بندی اقوال فقها بوده است و تبیین و نقد ادله، نیازمند مقاله مفصل دیگری است؛ هر چند که به صورت موجز، به برخی از آنها اشاره شده است. در ابتدای امر، از باب مقدمه به توضیح مقصود ما از عبارت «محدوده‌ی مطاف» می‌پردازیم و ادامه سخن را در دو مبحث «محدوده‌ی عرضی مطاف» شامل شش دیدگاه و «محدوده‌ی ارتفاعی مطاف» شامل چهار دیدگاه از فقهای مذاهب خمسۀ اسلامی پی می‌گیریم. همچنین به ضرورت، بحثی پیرامون محدوده‌ی جغرافیایی مسجدالحرام، کعبه معظمه و بررسی فاصله میان بیت و مقام ابراهیم(ع) ارائه خواهد شد.

کلیدواژگان: حدود مطاف، مقام ابراهیم(ع)، مسجدالحرام، ارتفاع کعبه.

کسی که مُحْرَم شد و به احرام عمره تمتع، وارد مکه مکرمه گردید، نخستین چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است، آن است که به دور خانه کعبه، به نیت عمره تمتع طواف کند. عمل طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن؛ که هر دوری را شوط می‌گویند. پس طواف عبارت از هفت شوط است (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۳ش: ۳۰۷). به محدوده و محیطی که باید طواف در آنجا صورت گیرد نیز «مطاف» گفته می‌شود که این امر، در دو بخش امکان وقوعی دارد: اول؛ محیط عرضی مطاف و دوم؛ محیط ارتفاعی مطاف.

قدر مسلم و اجماع فقها آن است که طواف شرعی زمانی صدق می‌کند که داخل مسجدالحرام انجام شود؛ زیرا از منطق آیه شریفه «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ: و بر گرد خانه کهن طواف کنند.» (حج، ۲۹)، استفاده می‌شود که طواف حول البیت موضوعیت دارد که تشخیص این موضوع، بر عهده عرف است. بنابراین اگر فردی از خارج مسجدالحرام طواف کند، به طور عرفی، طواف وی حول مسجد محسوب می‌شود نه حول البیت و هیچ یک از فقها معتقد به جواز طواف خارج از مسجد نشده‌اند. به طور کلی، نظرات فقها پیرامون محدوده‌ی عرضی مطاف، در دو دیدگاه تجمیع می‌شود: اول؛ جواز طواف در تمام مسجدالحرام و دوم؛ جواز طواف در بخشی از آن (بین بیت و مقام ابراهیم)؛ هر چند که دیدگاه‌های تفصیلی آنها در شش نظر قابل تقسیم‌بندی است. همچنین محدوده‌ی ارتفاعی مطاف نیز بستگی به این امر دارد که طواف بالاتر از کعبه و مقابل فضای خالی فوق البیت را جایز بدانیم یا خیر که در این موضوع هم چهار دیدگاه وجود دارد. قبل از بیان تفصیلی این دیدگاه‌ها، بیان مقدماتی ضرورت دارد.

#### ۱. پیشینه‌شناسی موضوع مقاله

پرداختن به بحث محدوده مطاف، از جمله موضوعات مورد ابتلائی است که از قدیم، مورد توجه فقهای عظام فریقین بوده و بیشتر فقها در رسالات خود به طور کلی، اشاره‌ای به دیدگاه فقهی خود در این باب کرده‌اند. نکته قابل توجه آن است که در کلام برخی از فقهای متقدم شیعه از جمله صاحب کتاب فقه الرضا(ع) (علی بن موسی(ع)، بی تا: ۲۱۹)، شیخ صدوق (مروارید، بی تا، ج ۷: ۳۱)، شیخ مفید (همان: ۱۰۶) و سید مرتضی (همان: ۱۲۶)، با این‌که برخی شرایط صحت طواف مانند آغاز طواف از حجرالأسود نقل شده، اما اشاره‌ای به محدوده‌ی طواف نشده است؛ زیرا آنها به طور معمول، در آثار خود درصدد بیان تفصیلی مباحث فقهی نبوده، همان‌طور که به برخی

مباحث دیگر مانند لزوم خروج طائف از حجر اسماعیل نیز اشاره‌ای نکرده‌اند. در نتیجه نمی‌توان به طور قاطع ادعا کرد که آن‌ها قائل به حد برای طواف نیستند.

موضوع این مقاله، یعنی دسته‌بندی اقوال فقهای مذاهب اسلامی در محدوده مطاف و اشاره به بحث طواف از طبقات فوقانی به خصوص، از مستحدثات باب حج است و در منابع فقه امامیه و عامه، پیشینه‌مدیدی ندارد. شاید بتوان گفت که آثاری مانند «الزحام و اثره فی احکام النسک» از مصلح خالد عبدالله؛ «احکام و حدود مسجدالحرام از منظر فقه امامیه» از عبدالله علیزاده؛ «بررسی فقهی محدوده طواف در حج» از مریم پوررجب؛ «محدوده طواف» از روزبه برکت رضایی و «حکم بناء الطوابق للمطاف والطواف فیها» از علی عندلیب جزو مهمترین آثار علمی تدوین‌یافته‌ای هستند که تنها به بیان برخی دیدگاه‌ها در این رابطه اشاره کرده‌اند؛ بنابراین باید توجه داشت که هیچ یک از این آثار از لحاظ انسجام و جامعیت به موضوع مقاله حاضر نپرداخته‌اند.

## ۲. محدوده‌ی جغرافیایی مسجدالحرام

حضرت ابراهیم(ع) پس از بازسازی کعبه، محدوده‌ی مسجدالحرام را نیز تعیین کرد. امام صادق(ع) در این خصوص فرموده است: «ابراهیم(ع) در مکه بین حَزْوَرَه (نام محلی در مکه نزدیک باب الحناطین) تا مسعی را خط کشید و این، همان خطی بود که ابراهیم(ع) رسم کرد؛ یعنی مسجد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۱۰ و ۵۲۰؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۴۵۴) همچنین آورده شده است که امام صادق(ع) در پاسخ سؤالی درباره جواز نماز در محدوده‌ای که به مسجدالحرام افزوده شده است، فرمود: «ابراهیم و اسماعیل(ع) محدوده مسجد را بین صفا و مروه معین کردند. مردم هم از مسجد تا صفا حج می‌کردند.» (طوسی، همان: ۴۵۳؛ کلینی، همان: ۲۰۹؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲: ۱۰۴) اما این محدوده، به مرور زمان فراموش شد و اهل مکه پیرامون کعبه، خانه ساختند (یعقوبی، ۱۳۷۵ق، ج ۱: ۲۳۹).

با قدرت گرفتن اسلام و افزایش جمعیت مسلمانان، توسعه مسجد و بازگرداندن به حدود اولیه آن، ضرورت پیدا کرد که نخستین توسعه، به دست پیامبر(ص) انجام گرفت (زمخشری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۶۵)، سپس خلیفه دوم در سال ۱۷ق (فاکهی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۱۵۷؛ ازرقی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۶۹) و خلیفه سوم در سال ۲۶ق، توسعه‌های بعدی را انجام دادند. عبدالله بن زبیر در سال ۶۵ ق و هنگام تجدید بنای کعبه، صحن مسجد را از شمال و جنوب گسترش داد. ولید بن عبدالملک اموی نیز در سال ۹۱ق از جنوب، آن را به ناحیه «صفا» و «باب بنی مخزوم» رساند و در شمال، میان «حجر اسماعیل» و «دارُ النُدوه» تا «دارُ شَیبَة بن عثمان» را توسعه داد (فاکهی، همان:

در دوران خلفای عباسی هم توسعه مسجد چندین مرتبه صورت گرفت؛ ابتدا منصور دوانیقی در سال ۱۳۷ق، شمال و غرب مسجد را توسعه داد و آن را تا «باب بنی سهم» رساند (فاکهی، همان: ۱۶۲؛ ازرقی، همان: ۷۲). آورده‌اند زمانی که وی تصمیم گرفت خانه‌های اهل مکه را خریداری کرده و آنها را به مسجدالحرام بیفزاید، آنان امتناع کردند. منصور نزد امام صادق(ع) آمد و راه چاره خواست؛ امام فرمود: «با آنها استدلال نما به وسیله این آیه: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ: يَقِينًا نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است.» (آل عمران، ۹۶) خداوند [در این آیه] خبر داده است که همانا اولین خانه‌ای که برای مردم نهاده شد، همان خانه‌ای است که در مکه است. اگر آنان پیش از کعبه در آنجا ولایت (مالکیت) داشته‌اند، آستانه‌ها از آن آنان است؛ اما اگر خانه خدا پیش از آنان بوده است، آستانه کعبه، متعلق به آن است.» (مجلسی، همان، ج ۹۹: ۸۳)

پس از منصور، مهدی عباسی نخست در سال ۱۶۱ق، خانه‌های باقی‌مانده میان مسجدالحرام و «مَسْعَى» را تخریب کرد و حد مسجد را «مَسْعَى» قرار داد و سپس در سال ۱۶۷ق، مسجد را از هر سمت به اندازه‌ای توسعه داد که کعبه، وسط مسجد قرار گرفت. بدین‌گونه مسجدالحرام را از جهت شرق و غرب به حد اولیه خود که توسط حضرت ابراهیم(ع) معین شده بود، رساند (فاکهی، همان: ۱۶۵-۱۷۴، ازرقی، همان: ۷۴-۸۱)؛ زیرا مطابق روایت امام صادق(ع)، حضرت ابراهیم(ع) حد شرقی مسجد را «مَسْعَى» و حد غربی را «حزوره» قرار داده بود و حزوره همان بازار «حَنَاطِينَ» می‌باشد که حد غربی توسعه مسجد در روزگار مهدی عباسی است.

در تفسیر عیاشی (مجلسی، همان: ۸۴) -به نقل از حسن بن علی بن نعمان- آمده است که مهدی عباسی، زمانی که خانه‌های اطراف کعبه را تخریب کرد تا مسجدالحرام را توسعه دهد، صاحبان یکی از خانه‌ها ممانعت کرد. مهدی عباسی در این خصوص از امام کاظم(ع) سؤال کرد؛ حضرت فرمود: «اگر کعبه بر مردم وارد شده است، مردم به آستانه خانه‌های خود سزاوارترند و اگر مردم بر آستانه کعبه فرود آمده‌اند، کعبه به آستانه خود، سزاوارتر است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳: ۲۱۷) بنابراین همان‌گونه که از پاسخ امام صادق(ع) در سؤال منصور دوانیقی به دست می‌آید، مقدار اضافه شده بخشی از مسجدالحرام است و حکم مسجد را دارد. افزون بر این، امام کاظم(ع) این محدوده را از آغاز، جزو مسجدالحرام دانست و خانه‌سازی مکیان را غضب محدوده مسجد ذکر کردند.

توسعه مسجدالحرام در طول دوران، به ندرت و به طور محدود صورت می‌گرفت؛ تا این‌که در روزگار

حکومت آل سعود بر عربستان در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۴۰۹ق، دو توسعه عظیم اتفاق افتاد که مساحت مسجدالحرام را چند برابر کرد و آن را از حد اولیه تعیین شده توسط حضرت ابراهیم(ع) فراتر برد. به همین جهت برخی از فقیهان، نسبت به جریان داشتن احکام ویژه مسجدالحرام بر مکان‌های اضافه شده اخیر، احتیاط می‌کنند؛ هر چند که برخی دیگر، این احتیاط را مستحب می‌دانند؛ زیرا معتقدند همین که مردم، آنها را جزو مسجدالحرام بدانند و در عرف، نام مسجد بر آنها بنهند، کافی است تا احکام آن جریان یابد (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۷۶۸).

مسجدالحرام در شرایط کنونی، از طرف شرق به کوه ابوقبیس، از سمت غرب به جبل عمر و خیابان شبیکه، از شمال به خیابان شامیه و کوه هندی و از سمت جنوب به خیابان اجیاد و مسفله محدود است و در مجموع، با ۳۶۶۱۶۸ متر مربع وسعت، ظرفیت پذیرش بالغ بر ۴۶۰۰۰۰ نمازگزار را دارد. اکنون مسجدالحرام سه طبقه است که طبقه سوم، یعنی بام آن، محوطه بسیار وسیعی است. حدود حرم تا مسجدالحرام فعلی در نقاط مختلف، متفاوت است: از تنعیم تا مسجد ۶۱۵۰ متر، از جعرانه تا مسجد ۱۸۰۰۰ متر، از مسیر طائف در نقطه هدی تا مسجد ۱۵۵۰۰ متر، از مسیر لیث تا مسجد ۱۷۰۰۰ متر و از راه جده تا مسجد ۱۱۰۰۰ متر فاصله است.

### ۳. محدوده کعبه معظمه و جواز توسعه ارتفاعی آن

کعبه در طول تاریخ و پس از بنای اولیه به دست آدم(ع)، ده مرتبه توسط افراد یا گروه‌هایی بازسازی شده که عبارت‌اند از: ۱. شیب بن آدم؛ ۲. ابراهیم و اسماعیل(ع)؛ ۳. عمالقه؛ ۴. جُرهم؛ ۵. قُصی بن کلاب؛ ۶. قریش؛ ۷. عبدالله بن زبیر؛ ۸. حجاج بن یوسف؛ ۹. سلطان مراد عثمانی؛ ۱۰. دوران معاصر توسط آل سعود (جعفریان، ۱۳۹۱ش: ۱۰۱-۵۳).

کعبه به طور تقریبی، در وسط مسجدالحرام است و بیشتر به ضلع شرقی و جنوبی مسجد نزدیک است تا به دو ضلع دیگر. بنای آن از سنگ سخت (الحجارة الصلبة الزقاء) است، ارتفاع آن حدود پانزده متر (به طور دقیق ۱۴/۸۵) و طول جهتی که حجر اسماعیل در آن است و وجه برابرش، ده متر و ده سانتیمتر (به طور دقیق ۱۰/۲۲) و طول دو ضلع دیگر، دوازده متر (به طور دقیق ۱۱/۵۸) است (همان: ۸۰).

به نظر می‌رسد که افزودن بر ارتفاع کعبه جایز است، دلیل و گواه بر جواز این امر، چند روایت است؛ از جمله: «ارتفاع کعبه در زمان ابراهیم(ع) به ۹ ذراع می‌رسید و برای آن، دو در (شرقی و غربی) بود، ابن زبیر (پس از آسیب دیدن کعبه به وسیله سنگ‌باران لشکریان یزید)، آن را با ارتفاع ۱۸ ذراع ساخت. (پس از قتل وی) حجاج

آن را تخریب و با ارتفاع ۲۷ ذراع بنا کرد.» (حرعاملی، همان، ج ۱۳: ۲۱۳) از این روایت، می‌توان چنین بهره جست که منع نکردن امام معصوم (ع) از افزایش ارتفاع کعبه (توسط ابن زبیر و سپس حجاج)، دلیل بر جواز آن است. اما این روایت معتبر نیست؛ زیرا «احمد بن محمد» که در سند آن آمده است، با جمعی اشتراک اسمی دارد که معلوم نیست راوی خبر، کدام یک از آنها است و نیز اگر چه نجاشی، «سعید بن جناح» را توثیق کرده و در اسناد «کامل‌الزیارات» هم وارد شده است، ولی کسی که از او روایت می‌کند، معلوم نیست، چه کسی است و بنابراین، استناد به این روایت درست نیست.

فارغ از صحت و سقم روایت بیان شده؛ اصل نخست در این زمینه، جواز است و کعبه نیز مانند اماکن و ساختمان‌های دیگر است؛ پس همان‌گونه که افزودن بر مسجد جایز می‌باشد، افزایش بنای کعبه نیز چنین است و نباید آن را مانند احکام تعبدیه، از امور توقیفیه پنداشت. همچنین با توجه به اهمیت موضوع حج و این‌که در طول تاریخ و عصر معصومین (ع) نیز چندین مرتبه ارتفاع کعبه افزایش یافته است، اگر از نظر شارع این افزایش ممنوع می‌بود، باید تصریح به ممنوعیت آن می‌شد.

#### ۴. فاصله بیت و مقام ابراهیم (ع)

ازرقی، فاصله مقام تا دیوار کعبه را ۲۸ ذراع ذکر کرده (فاکهی، همان، ج ۱: ۳۴۶)، ولی فاکهی آن را ۲۷ ذراع و فاصله بین شاذروان کعبه تا مقام را ۲۶ ذراع و ۱۲ انگشت و فاصله حجرالاسود تا مقام را ۲۶ ذراع و ۹ انگشت بیان نموده است (همان: ۴۶۹). محمد طاهر مکی کردی، فاصله بین شاذروان کعبه تا پنجره مقام را یازده متر برشمرده است (کردی، بی‌تا، ج ۴: ۱۳). امام خمینی و بسیاری از فقها نیز فاصله‌ی بین مقام و کعبه را حدود ۲۶/۵ ذراع دانسته‌اند (پژوهشکده حج و زیارت، همان: ۱۱۶). البته اختلاف در مقدار فاصله‌ی آن اثری در حکم فقهی ندارد؛ زیرا در حال حاضر، مکان آن ثابت است.

#### الف. اقوال فقها در محدوده‌ی عرضی مطاف

از عبارات فقهای مذاهب اسلامی، به طور کلی شش دیدگاه در زمینه محدوده‌ی عرضی مطاف قابل استخراج است:

۱. محدود بودن موضع طواف میان کعبه و مقام ابراهیم به طور مطلق؛
۲. محدود بودن موضع طواف میان کعبه و مقام ابراهیم در غیر زمان اضطرار؛

۳. موسع بودن موضع طواف تا جایی که به طواف کننده‌ها متصل باشد؛

۴. موسع بودن موضع طواف و کراهت طواف در خارج از حد مقام؛

۵. موسع بودن موضع طواف به طور مطلق و تا ارتفاع کعبه؛

۶. موسع بودن موضع طواف در تمام مسجدالحرام به طور عرضی و ارتفاعی.

در ادامه به تبیین دیدگاه‌های فوق خواهیم پرداخت.

دیدگاه اول: محدود بودن موضع طواف میان کعبه و مقام ابراهیم به طور مطلق

بیشتر فقهای متقدم امامیه، این نظریه را پذیرفته و معتقدند که واجب است طواف بین بیت و مقام باشد و خارج از آن باطل خواهد بود. محمد بن حسن، مکنی به ابوجعفر، معروف به «شیخ طوسی» و «شیخ الطائفه»، اگر چه در کتاب «الجمل و العقود» اشاره‌ای به محدوده طواف نکرده؛ اما در سایر کتاب‌های خود از جمله «الخلافا» (طوسی، الخلافا، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۲۴)، «النهایه» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۲۳۷) و «المبسوط» (طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۱: ۳۵۶) آورده است که طواف باید بین خانه و مقام باشد. شاید وی، نخستین فقیهی باشد که در کتاب‌های خود به وجود حد برای طواف اشاره کرده است. طوسی در «النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی» که نسبت به فقیهان پیش از خود، مسائل زیادتری را در مورد طواف در این کتاب آورده، پس از بیان فروعاتی چند در باب طواف، به این مسأله پرداخته و بیان می‌دارد: «سزاوار است که طواف بین خانه و مقام باشد و از آن حد، تجاوز نشود و چنان‌چه طواف کننده‌ای از مقام تجاوز کرد و یا آن‌که از آن دور گردد، طوافش صحیح نیست.» (طوسی، ۱۴۰۰ق، همان) ابن ادریس حلی از دانشمندان بزرگ اواخر قرن ششم، در کتاب السرائر خود چنین آورده است: «سزاوار است طواف میان مقام و خانه واقع گردد؛ به گونه‌ای که مقام از طواف خارج باشد.» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۵۷۲) ابن زهره نیز در غنیة النزوع، پس از بیان برخی از واجبات طواف، چنین می‌گوید: «و از واجبات طواف این است که باید (طواف) بین بیت و مقام باشد.» (ابن زهره، ۱۳۷۵ش: ۱۷۲) علامه حلی در قواعد الاحکام، ضمن بیان واجبات یازده‌گانه طواف می‌نویسد: «باید طواف بین خانه و مقام باشد و چنان‌چه مقام را در طواف داخل کند، صحیح نیست.» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۴۲۷) علی بن عبدالعالی، مشهور به «محقق کرکی» یا «محقق ثانی» در کتاب «جامع المقاصد فی شرح القواعد»، پس از ذکر و تأکید کلام علامه حلی در قواعد، آورده است: «واجب است طواف بین بیت و مقام در همه اطراف کعبه رعایت شود؛ حتی در بخش حجر اسماعیل و روایات بر این مسئله

دلالت دارند.» (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۱۹۳)

قاضی ابن براج در کتاب «المهذب فی الفقه»، علی بن ابی‌الفضل معروف به علی بن ابی‌المجد، از فقهای حلب در قرن ششم در کتاب «اشاره السبق الی معرفة الحق» (مروارید، بی‌تا، ج ۸: ۶۰۶)، محقق حلی در «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» (حلی، همان، ج ۱: ۲۴۳)، شهید اول در «الدروس الشرعیه» (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۹۴) و بسیاری از فقها به وجوب طواف بین بیت و مقام تصریح دارند که این دیدگاه‌ها، نشان‌دهنده‌ی شهرت این قول در میان فقهای شیعه است.

به طور خلاصه، با جستجو در کلمات فقهای بزرگ تشیع می‌بینیم که از زمان شیخ طوسی تا پایان قرن سیزدهم هجری قمری، اکثریت قریب به اتفاق آنان مسأله محدوده طواف را در کتاب‌های استدلالی و احکام شرعی طرح کرده و بیشتر فتوا به تعیین محدوده طواف بین خانه و مقام داده و اشتراط محدوده مذکور را مقید به حال اختیار نکرده‌اند. بنابراین می‌توان شرطیت طواف بین بیت و مقام را چه در حال اختیار و چه در حال اضطرار را دیدگاه مشهور فقهای شیعه دانست. لازم به ذکر است که مراد از طواف بین کعبه و مقام آن است که مسافت میان خانه کعبه و مقام ابراهیم(ع) در همه اطراف خانه کعبه ملاحظه شود و طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد. (مابین مقام و خانه، چنانچه گفته‌اند بیست و شش ذراع و نصف است) (پژوهشکده حج و زیارت، همان: ۳۳۶)

دیدگاه دوم: محدود بودن موضع طواف میان کعبه و مقام ابراهیم در غیر زمان اضطرار

عده‌ای از فقهای متأخر برای این‌که از طرفی، خلاف نظر مشهور (دیدگاه نخست) فتوا نداده باشند و از سوی دیگر، راه حلی برای مشکل ازدحام جمعیت یافته باشند، فتوا به جواز طواف خارج از مقام در صورت ازدحام و یا عذر دیگر را صادر کرده‌اند. اضطرار از عناوین ثانویه‌ای است که با پیدایش آن، تکلیف مربوطه از عهده مکلف برداشته می‌شود؛ بدین معنا که مکلف را از موضوع حکم شرعی خارج می‌کند و نتیجه آن، جواز ارتکاب حرام یا ترک واجب در حال اضطرار است؛ مانند خوردن مردار که در شرایط عادی، حرام و در حال اضطرار، حلال است. (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۵۷۴).

از میان فقهای متقدم تنها ابن جنید (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶ق: ۱۳۶)، متعرض حالت اضطرار به طواف خارج از محدوده و جواز آن شده و پس از وی تا زمان علامه حلی، کسی متعرض حالت اضطرار نشده است. آیت‌الله تبریزی در این زمینه می‌فرماید: «در صورت امکان، بنا بر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام



ابراهیم باشد؛ ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.» (پژوهشکده حج، همان: ۳۰۴)  
همچنین آیت الله بهجت می‌فرماید: «مراد از طواف بین کعبه و مقام، رعایت مسافت میان خانه و مقام ابراهیم در همه اطراف خانه کعبه است؛ به گونه‌ای که طواف کننده، از این فاصله، که گفته‌اند تقریباً بیست و شش ذراع و نیم است، دورتر نرود. لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت - بیست و شش ذراع و نیم - نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن برای آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعین است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع.» (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱: ۳۶۵)

**دیدگاه سوم: موسع بودن موضع طواف تا جایی که به طواف کننده‌ها متصل باشد**

تعداد اندکی از فقها معتقدند که در صورت ازدحام جمعیت، اگر اتصال طواف‌کنندگان برقرار باشد، می‌توان خارج از مقام ابراهیم طواف کرد و در غیر این صورت، جایز نیست. آیت الله گلپایگانی از قائلین به این نظریه معتقد است: «در صورت ازدحام طواف‌کنندگان، تا حدی که عرفاً اتصال آنان محفوظ باشد، در فاصله بیشتر از حد مذکور، در پشت مقام ابراهیم (ع) نیز طواف صحیح است و در این حال، تفاوتی بین مضطر و غیر آن نیست.» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ۲۰۰)

**دیدگاه چهارم: موسع بودن موضع طواف و کراهت طواف خارج از حد مقام**

از اقوال دیگر، کراهت داشتن طواف خارج از مقام است. آیت الله وحید خراسانی در این زمینه معتقد است: «اقوی این است که طواف حتی برای متمکن از طواف در این مقدار بدون حرج نیز کافی است؛ اگر چه مکروه است.» (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق: ۱۵۶) همچنین آیت الله سیستانی چنین آورده است: «بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم - هر چند که کراهت دارد - طواف جایز باشد؛ خصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می‌شود و در صورت توانایی، رعایت احتیاط اولی است.» (خمینی، ۱۴۲۶ق: ۱۵۵) لازم به ذکر است که در اعمال عبادی، کراهت به معنای کم شدن ثواب است نه مغبوضیت شارع.

**دیدگاه پنجم: موسع بودن موضع طواف به طور مطلق و تا ارتفاع کعبه**

از معدود فقهای شیعه که طواف در کل مسجدالحرام را حتی در حالت اختیار جایز دانسته است، آیت الله خامنه‌ای است. ایشان معتقد است: «برای مطاف، حدی وجود ندارد و تا هر جای مسجدالحرام که در آن، طواف

کعبه صدق کند؛ طواف مجزی است، بلی مستحب است که اگر اضطرار و ازدحام نباشد، فی مابین کعبه و مقام ابراهیم (ع) انجام دهد.» (پژوهشکده حج و زیارت، همان: ۳۰۴)

دیدگاه ششم: موسع بودن موضع طواف در تمام مسجدالحرام به طور عرضی و ارتفاعی

این دیدگاه نیز به تازگی، توسط آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی مطرح شده است. وی با طرح ادله مبسوطی در مقاله «پژوهشی فقهی درباره طواف از طبقه اول مسجدالحرام» به این جمع‌بندی رسیده است که نه تنها طواف از تمام مسجدالحرام جایز است، بلکه طواف از طبقات فوقانی آن حتی در حالت اختیار نیز جایز می‌باشد. وی در بخشی از این مقاله چنین می‌نویسد: «ما به صحت طواف از بالا، ملتزم هستیم» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳ش: ۶۸)؛ همچنین در ادامه آورده است: «مستفاد از ادله قبله و طواف و وحدت تعبیر در هر دو، آن است که همان‌طوری که فوق کعبه صالح برای استقبال است، همین‌طور صلاحیت برای طواف نیز دارد.» (همان)

دیدگاه‌های فقهای اهل سنت در محدوده مطاف

فقهای مذاهب اربعه‌ی اهل سنت، طواف داخل مسجدالحرام را حتی در خارج از محدوده‌ی بین بیت و مقام ابراهیم (ع) جایز دانسته‌اند. روزبه برکت رضایی می‌نویسد: «حنبل‌ها و مالکی‌ها، طواف نزدیک بیت را سنت دانسته و شافعی‌ها معتقدند که طواف در نزدیک بیت برای مردان سنت است.» (برکت رضایی، ۱۳۹۳ش: ۴۹)

غزالی در کتاب الوسیط چنین آورده است: «چهارمین مورد از واجبات طواف آن است که داخل مسجد طواف شود؛ پس اگر فرد خارج مسجد طواف کند، صحیح نیست. همچنین اگر مسجد توسعه یابد، طواف در همه جای آن جایز خواهد بود؛ زیرا نزدیکی به کعبه مستحب است و نه واجب.» (غزالی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۴۵) ابوبکر شافعی هم در کتاب خویش چنین می‌نویسد: «یکی از واجبات طواف این است که در مسجد واقع شود، حتی اگر در رواق‌های مسجد نیز باشد، صحیح خواهد بود.» (الحصنی دمشقی الشافعی، ۲۰۰۱م، ج ۱: ۱۳۶)

ابن جزئی مالکی در کتاب خود، وقتی از واجبات طواف بحث می‌کند، چنین می‌گوید: «شرط پنجم طواف آن است که داخل مسجد باشد» (نووی، بی‌تا: ۸۹). وهبه زحیلی نیز پس از بیان تفصیلی دیدگاه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره محدوده‌ی طواف آورده است که طواف در داخل مسجدالحرام صحیح است؛ هر چند که مستحب است، مردان نزدیک کعبه طواف نمایند (زحیلی، ۱۹۸۹م، ج ۳: ۱۵۳-۱۶۸). وی در تبیین دیدگاه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت آورده است: «۱. همانا از شرایط طواف نزد حنفیه، ملتزم شدن به مکانی است که

برای آن محدوده شده است؛ یعنی طواف حول البیت در مسجد انجام شود؛ به خاطر این سخن خداوند که فرمود: «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج، ۲۹). طواف بالبیت همان طواف پیرامون آن است؛ بنابراین طواف در هر نقطه از مسجد الحرام جایز است، نزدیک بیت باشد یا دور، مشروط به این که داخل مسجد باشد؛ ۲. اما شرط طواف نزد مالکیه آن است که داخل مسجد الحرام باشد؛ ۳. شافعیه نیز می گوید: طواف داخل مسجد به هر اندازه که وسیع باشد، به تبع از سیره، جایز است؛ ولی طواف پیرامون مسجد اجماعاً صحیح نیست؛ ۴. این سخن، مطابق نظر حنابله نیز می باشد؛ چرا که در کلامشان طواف را مشروط کرده اند به این که داخل مسجد باشد و از آن خارج نشود.» (همان)

### ب. دیدگاه های فقها در محدوده ی ارتفاعی مطاف

مسجد الحرام و ساختمان های اطراف آن، در گذشته هیچ گاه از سطح کعبه بالاتر ساخته نشده بودند و در عصر حاضر، بر اساس توسعه های جدیدی که دولت سعودی به خصوص ملک سعود انجام داده است، ساختمان مسجد الحرام در دو طبقه بنا شده که طبقه اول آن، حدود سی سانتی متر از سقف کعبه معظمه بالاتر است؛ همچنین مسعی نیز در دو طبقه بنا شده و از نظر عرضی نیز توسعه یافته است. به همین جهت، مسأله جواز یا عدم جواز طواف از طبقات فوقانی مسجد الحرام به عنوان مسأله ای جدید در فقه شیعه، زیرمجموعه مستحدثات حج و در فقه اهل سنت، زیرمجموعه نوازل الحج و العمره مورد بررسی قرار گرفت.

از نخستین کسانی که به بررسی این موضوع پرداخته اند، می توان از ابوالقاسم رافعی قزوینی شافعی، محیی الدین نووی، سرخسی، محمد بن احمد الشربینی و ابن عابدین حنفی نام برد. آنها در پاسخ به این پرسش که آیا کعبه بقعه محسوب می شود یا خیر؟ و آیا فضای بالای آن، حکم بیت را دارد یا خیر؟، نظر خود را بیان داشته اند. از فقهای امامیه، مرحوم علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء قول به جواز را طرح کرده و پیرو او، فاضل هندی در کشف اللثام و صاحب جواهر به این موضوع اشاره کرده اند (عنایتی راد، ۱۳۹۴ ش: ۱۰۱).

از حدود پنجاه سال پیش در دولت سعودی، این موضوع مورد بحث بوده است. در ابتدای امر، بسیاری از مفتی های مکه مکرمه در موسسه «رابطه العالم الاسلامی» و نیز «اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه و الافتاء» با این امر مخالف بودند؛ ولی در نهایت فتوا به جواز طواف از طبقات فوقانی دادند. عبدالله بن حمد السکاكر از پژوهشگران معاصر سنی، در مقاله ای با اشاره به ادله هیأت کبار دولت سعودی در فتوای جواز می نویسد:

«زمانی که مسجدالحرام به حالت امروزی ساخته شد، مسأله جواز یا عدم جواز در هیأت عالمان برجسته عربستان مطرح گردید. علمای حاضر در جلسه، پس از بررسی‌ها و اظهارنظرهای متعدد فتوای به جواز صادر کردند، هر چند برخی اظهارنظری نداشته و یکی از علما مخالفت کرد.» (عبدالله بن حمد الساکر، «نوازل الحج ۲») وی در ادامه دلایلی را که قائلین به جواز مطرح کرده‌اند را برشمرده و از قاعده «الهواء تابع للقرار» به‌عنوان اولین دلیل یاد کرده و قرائتی را برای اثبات قاعده مذکور در مورد جواز طواف و سعی از طبقات فوقانی برمی‌شمارد (همان). در مقابل، بیشتر فقهای معاصر امامیه یا به طور مطلق قائل به عدم جواز شده‌اند و یا با تفصیل مسأله به حالت اختیار و اضطرار، حکم به جواز در حال اضطرار داده‌اند. بر این اساس، چهار نظریه در این باب مطرح شده است:

#### نظریه اول: انحصار طواف حول بنای کعبه

معتبرترین و شایع‌ترین نظریه میان فقهای امامیه و برخی از فقهای عامه این است که طواف باید پیرامون بنا و ساختمان کعبه صورت گیرد. در این صورت، طواف از طبقات بالای مسجدالحرام تا اندازه‌ای مجاز است که از سقف کعبه بالاتر نباشد. این فقها معتقدند که مطابق آیه شریفه، طواف لازم است مقابل بنای کعبه صورت گیرد؛ زیرا اطلاق «بیت» به هوای بالای کعبه صحیح نیست (پژوهشکده حج و زیارت، همان: ۷۷۴). برخی از مراجع معظم تقلید چون حضرات آیات خامنه‌ای، سیستانی، صافی گلپایگانی، نوری همدانی، وحید خراسانی و موسوی اردبیلی از قائلین این نظریه هستند (اسفندیاری، «حکم طواف در طبقه دوم مسجدالحرام»).

در میان علمای اهل سنت، برخی از شافعیه قائل به عدم جواز طواف از طبقات بالاتر از بام کعبه هستند. علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء می‌نویسد: «شافعی گوید: اشکال ندارد چیزی مانند آب‌خوری و دیوارها، میان طواف کننده و خانه خدا (کعبه) فاصله شود و همچنین اشکالی نیست که طواف در آخر در مسجد و زیر سقف و داخل رواق‌ها قرار گیرد، اگر ارتفاع خانه رفیع‌تر و بلندتر از سطح مسجد باشد، همچنان‌که امروز چنین است. بنابراین اگر سقف مسجد بلندتر از کعبه بود، طواف بر سطح مسجد جایز نیست. لازمه این سخن شافعی آن است که اگر -العیاذبالله- روزی کعبه ویران شد، طواف پیرامون عرصه آن درست نباشد و حال آن‌که چنین چیزی بعید است - و کسی چنین فتوایی نداده است.» (حلی، همان، ج ۸: ۹۳) این موضوع، تنها عبارتی است که در منابع شیعی پیرامون این مسأله یافت می‌شود.

## نظریه دوم: جواز طواف حول فضای بالای کعبه

این نظریه، فتوای مشهور فقهای اهل سنت است و بر اساس همین مسأله، اقدامات توسعه‌ای کنونی صورت گرفته است. نووی نظر علمای اهل سنت را چنین نقل می‌کند: «علمای اهل سنت می‌گویند: در صورتی که ارتفاع کعبه مانند امروز، بلندتر از پشت‌بام مسجدالحرام باشد، طواف از پشت‌بام‌های مسجد جایز است، اما صاحب کتاب العده طواف از آن‌جا را جایز نمی‌داند؛ ولی رافعی بر این سخن او چنین ایراد وارد کرده است که اگر گفته‌ی او درست باشد، لازم می‌آید که در صورت انهدام کعبه -العیاذبالله- طواف بر اطراف زمین آن جایز نباشد که بعید به نظر می‌رسد و در این مسأله نظر رافعی صحیح است و قاضی حسین در تعلیقه خود، به صحت آن قطع پیدا کرده، آن‌جا که گفته است: اگر شخصی از پشت‌بام مسجد طواف کند، گرچه بالاتر از کعبه باشد، طوافش صحیح است.» (نووی، ۱۹۹۴م، ج ۸: ۳) وی آن‌گاه به بیان این قاعده کلی پرداخته است که در صورت توسعه مسجد، مطاف نیز توسعه می‌یابد و بیان می‌دارد: «اصحاب ما در این باره اتفاق نظریه دارند.» (همان) همچنین زحیلی می‌گوید: «طواف از پشت‌بام مسجد، جایز است، اگر چه بلندتر از کعبه باشد.» (زحیلی، همان، ج ۳: ۲۲-۱۸) دکتر عبدالله بن ابراهیم الزاحم در مقاله شروط الطواف چنین می‌نویسد: «طواف بر بام مسجدالحرام جایز است؛ هر چند بلندتر از خانه کعبه باشد و حنفیه و شافعیه این قول را صحیح دانسته و حنابله آن را قابل توجیه می‌دانند.» (الزاحم، ۱۴۱۹ق: ۲۳۲)

مستند قائلین به جواز، به طور عمده سه چیز است: «جواز طواف حول عرصه کعبه در صورت انهدام بنای آن»، «جواز نماز بر کوه ابوقبیس» و قاعده «الهواء تابع للأرض».

محبی‌الدین نووی، از علمای قرن هفتم اهل سنت، در کتاب «المجموع» می‌نویسد: «اصحاب ما، وقوع طواف در مسجدالحرام را شرط می‌دانند ... و همچنین گفته‌اند: طواف بر سطح و طبقه بالای مسجد، اگر خانه کعبه بلندتر از بنای مسجد باشد -همچنان که امروز چنین است- جایز می‌باشد؛ ولی صاحب عده گفته است: اگر سقف مسجد بلندتر از سطح کعبه باشد، طواف بر سطح مسجد جایز نیست؛ رافعی این سخن را قبول ندارد و گفته است: اگر این سخن درست باشد، لازمه‌اش آن است که اگر -العیاذ بالله- خانه کعبه خراب شود، طواف بر عرصه آن صحیح نباشد و این بعید است.» (نووی، همان، ج ۸: ۴۲) آن‌گاه محبی‌الدین، سخن رافعی را صواب دانسته و در تأیید آن می‌گوید: «قاضی حسین، طواف بر سطح مسجد را جایز می‌شمرد، ولو از محاذات کعبه

بالا تر باشد؛ همچنان که نماز بر کوه ابوقبیس - که مشرف بر کعبه است - صحیح می باشد.» (همان)

نکته قابل ذکر این است که هر چند به دلیل مستحدثه بودن طواف از طبقات فوقانی، در منابع معتبر اهل سنت تصریح مستقیمی بر استناد به قاعده «الهواء تابع للأرض» در مسأله طواف نشده است؛ ولی عمومیت قاعده به صورت ارتکازات ذهنی در میان فقهای اهل سنت جریان دارد و به صورت ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است. شرف بن علی الشریف می نویسد: «برای من روشن است که طواف بر بام مسجدالحرام به خاطر عذر جایز است، به دلیل قیاس با صحت نماز بر بام مسجد و کوه ابوقبیس و غیر آن و نیز به دلیل این که هوای کعبه، حکم خود آن را دارد؛ همان گونه که هوای خانه های مردم حکم خود آن را دارد.» (الشریف، ۱۴۱۶ق: ۲۲۳)

همان گونه که مشاهده می شود؛ در این عبارت، با مقایسه تبعیت هوا از زمین، در مسأله ملکیت حکم به جواز طواف مقابل هوای بیت کرده است؛ در حالی که سرایت این تبعیت از ملکیات به احکام ثابت نشده است.

نظریه سوم: انحصار طواف تا ارتفاع مسجد الحرام قدیم

مالکیه معتقد است که طواف همواره باید در مسجد قدیم که در عصر پیامبر(ص) بوده است، انجام شود و خروج از آن، چه در عرض و چه در ارتفاع، مجاز نیست؛ بنابراین طواف در محدوده توسعه یافته فعلی در حال عادی و عدم ازدحام را جایز نمی دانند (الصاوی المالکی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۴۸؛ مبارک، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۷۸۴). صاحب کتاب مواهب الجلیل از علمای مالکی می نویسد: «از شرایط طواف آن است که داخل مسجدالحرام باشد؛ پس اگر خارج از آن طواف کند، مجزی نیست. ابن رشد گوید: اختلاف نظری در این مسأله نیست؛ می گویم: اگر کسی بر بام مسجد طواف کند، مانند آن است که خارج از مسجد طواف کرده و مجزی نیست و این، مطلبی روشن است که نصی بر آن نیاز نیست.» (الحطاب الرعینی، ۱۹۹۵م، ج ۳: ۴۱۲) قائلین این نظریه برای ادعای خود، به آیه ۲۹ سوره حج استناد کرده اند که بر اساس آن، خداوند متعال امر به طواف بیت کرده و کسی که بالای بنای کعبه طواف کند، طائف محسوب نمی شود (مبارک، همان: ۷۸۴).

این استدلال، هر چند برای قائلین نظریه اول نیز مورد نظر است، اما از آنجایی که مبنای مالکیه بر صحت طواف در بنای قدیم مسجدالحرام می باشد، بنابراین در صورت مرتفع شدن بنای کعبه بر اساس نظریه اول، طواف پیرامون بنای اضافه شده مجاز است؛ ولی بر اساس نظریه سوم مجاز نخواهد بود.

نظریه چهارم: جواز در حال اضطرار

در این نظریه، برخی از فقهای امامیه معتقدند که در صورت ازدحام جمعیت یا بیماری حج‌گذار و یا هر عذر دیگری که مانع طواف از عرصه مسجد شود، طواف از طبقات بالاتر نیز جایز است. مرحوم آیت‌الله بهجت و نیز آیت‌الله مکارم شیرازی از قائلین به این نظریه در بین امامیه هستند (اسفندیاری، همان).

### نتیجه‌گیری

حاصل سخن این‌که هر چند تمامی فقهای مذاهب اسلامی طواف خارج از مسجدالحرام را جایز نمی‌دانند؛ اما با توجه به برخی مسائل مستحدثه از جمله ازدحام حجاج در موقف حج و توسعه‌ی عرضی و ارتفاعی مسجدالحرام و نیز وجود برخی اختلافات مبنایی میان آنها، اقوال متعددی در محدودی عرضی و ارتفاعی مطاف به وجود آمده است. با بررسی این دیدگاه‌ها به دست آمد که این اختلاف‌نظرها به طور عمده به دو نگرش کلی باز می‌گردد. نخست؛ در خصوص محدوده‌ی عرضی مطاف، برخی معتقد به تحدید مطاف بین بیت و مقام ابراهیم شده و برخی حکم به جواز طواف در تمام مسجدالحرام داده اند، البته گروهی به صورت اضطراری و گروهی به نحو اطلاق؛ دوم این‌که در خصوص محدوده‌ی ارتفاعی مطاف نیز دیدگاه‌های چهارگانه بیان شده به این اختلاف مبنایی باز می‌گردد که یا طواف فوق‌البیت را جایز بدانیم یا ندانیم.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، مجموعه فتاوی ابن جنید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن زهره، حمزه بن علی، غنیة النزوع الی علم الأصول و الفروع، محقق: ابراهیم بهادری، قم: موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۷۵ش.
۵. اسفندیاری، آمنه، حکم طواف در طبقه دوم مسجدالحرام، موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان (tebyan.net).
۶. ازرقی، محمد بن عبدالله، أخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، محقق: ملحق رشدی صالح، بیروت: داراندلس، ۱۴۱۶ق.
۷. اصفهانی(مجلسی دوم)، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)، بیروت: موسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
۸. برکت رضایی، روزبه، محدوده طواف، تهران: موسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۳ش.
۹. پژوهشکده حج و زیارت، مناسک حج امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، تهران: موسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۳ش.
۱۰. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: موسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۱ش.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: موسسه آل‌البیت(ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۱۲. الحطاب الرعینی، شمس‌الدین أبوعبدالله، مواهب الجلیل لشرح مختصر خلیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۵م.



١٣. الحصنى الدمشقى الشافعى، أبوبكر، كفاية الأختيار فى حل غاية الإختصار، بيروت: دارالكتب العلميه، ٢٠٠١م.

١٤. حلى، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فى مسائل الحلال و الحرام، محقق: عبدالحسين محمدعلى بقال، قم: موسسه اسماعيليان، ١٤٠٨ق.

١٥. حلى (علامه حلى)، حسن بن يوسف، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت(ع)، بى تا.

١٦. \_\_\_\_\_، قواعد الاحكام فى معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، ١٤١٣ق.

١٧. خمينى، سيد روح الله موسى، منتخب مناسك حج، قم: مشعر، ١٤٢٦ق.

١٨. الزاحم، عبدالله بن ابراهيم، شروط الطواف، رياض، مجله البحوث الاسلاميه، العدد ٥٣، ١٤١٩ق.

١٩. زحيلي، وهبه بن مصطفى، الفقه الإسلامى وأدلته، بيروت: دارالفكر، ١٩٨٩م.

٢٠. زمخشري، محمود بن عمر، ربيع الأبرار و نصوص الأخبار، محقق: عبدالامير مهنا، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٤١٢ق.

٢١. الشريف، شرف بن على، الطواف و اهم احكامه: دراسه فقهيه مقارنه، رياض، مجله البحوث الاسلاميه، العدد ٤٤، ١٤١٦ق.

٢٢. شاهرودى، سيد محمود، جمعى از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت(ع)، قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت(ع)، ١٤٢٦ق.

٢٣. الصاوى المالكى، أحمد بن محمد، بلغة السالك لأقرب المسالك، محقق: محمد عبدالسلام شاهين، بيروت: دارالكتب العلميه، الأولى، ١٤١٥ق.

٢٤. طوسى، محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزة علميه قم، ١٤٠٧ق.

٢٥. \_\_\_\_\_، تهذيب الأحكام، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ق.

٢٦. \_\_\_\_\_، المبسوط فى فقه الاماميه، محقق: سيد محمدتقى كشفى، تهران: المكتبة

المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ١٣٨٧ش.

۲۷. \_\_\_\_\_، النهاية في مجرد الفقه و الفتوى، بيروت: دارالكتاب العربي، ۱۴۰۰ق.
۲۸. عاملی (محقق کرکی/ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت(ع)، ۱۴۱۴ق.
۲۹. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۰. عبدالله بن حمد السکاكر، نوازل الحج ۲، موقع الاسلام اليوم (islamtoday.net).
۳۱. علی بن موسی(ع)، الفقه المنسوب الی الامام الرضا(ع)، تحقیق: مؤسسه آل البيت(ع) لإحياء التراث، قم: المؤتمر العالمي للإمام الرضا(ع)، بی تا.
۳۲. عنایتی راد، محمدجواد، تأملی در آیه «ولیطوفوا بالبيت العتیق» در پیوند با طواف از طبقات بالاتر از کعبه، نشریه پژوهش های قرآنی، ش ۷۴، ۱۳۹۴ش.
۳۳. غزالی طوسی، أبو حامد محمد بن محمد، الوسیط فی المذهب، محقق: أحمد محمود إبراهيم و محمد محمد تامر، قاهره: دارالسلام، ۱۴۱۷ق.
۳۴. فاضل لنکرانی، محمدجواد، پژوهشی فقهی درباره طواف از طبقه اول مسجد الحرام(۱)، نشریه میقات حج، ش ۴۸، ۱۳۸۳ش.
۳۵. فاکهی، محمد بن اسحاق، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، محقق: عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، بیروت: مکتبه الاسدی، ۱۴۱۹ق.
۳۶. کردی، محمد طاهر، التاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، بیروت: دارخضر، بی تا.
۳۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۸. افتخاری گلپایگانی، علی، آراء المراجع فی الحج، قم: مشعر، ۱۴۲۸ق.
۳۹. مبارک، مبارک بن علی، هداية السالك الی مذهب الامام مالک، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۲ق.
۴۰. مروارید، علی اصغر، سلسله ینابیع الفقهیه، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه دارالاسلامیه، بی تا.
۴۱. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، احکام و آداب حج، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
۴۲. نووی یحیی بن شرف، المجموع فی شرح المهذب، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۴م.

٤٣. وحيد خراساني، حسين، مناسك حج، قم: مدرسة الإمام باقر العلوم (ع)، ١٤٢٨ق.

٤٤. يزدي، سيد محمد كاظم طباطبائي، العروة الوثقى فيما تعم به البلوى، بيروت: مؤسسة الأعلمي

للمطبوعات، ١٤٠٩ق.

٤٥. يعقوبي، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبي، بيروت: دارالعراق، ١٣٧٥ق.